

غرب مخالف است

دشمنی استعمار با صنایع سنگین در ایران

یکی دیگر از قسمتهای بسیار مهم مصاحبه شاهنشاهی آریامهر این نکته است که به نقل از آقای نخست وزیر باید فرمودند که: «غرب معتقد است که ایران نیازی به کارخانه ذوب آهن ندارد...» شاهنشاهی با بیان این نکته باین صراحت و روشنی، پردهای از ابهام را که سازمانهای حاکمه ایران بر روی واقعیات تاریخ یک قرن اخیر میهن ما کشیده بودند بکنار زدند.

بیش از یک قرن است که در شرایط گوناگون و بجهت گوناگون سیاست سازمانهای حاکمه ایران بیش از حد معقول گرایش و بستگی به سیاستهای استعماری مغرب زمین داشته است.

در حالیکه در یک قرن اخیر ملت ایران هر چند صیاح شاهد تجاوز و تعدی آشکار سیاستهای استعماری مغرب بود و حقوق تاریخی خود بوده است - در حالیکه سیاستهای غربی اغلب در شرایط گوناگون و بخصوص در لحظات بحرانی تاریخ به حمایت از دشمنان ملت ایران برخاسته اند و غالباً هر متجاوز به حقوق ملت ایران را تایید و پشتیبانی نموده اند، مع الوصف عناصر مسئول و اداره کنندگان سازمانهای حاکمه چشم و گوش بسته خود را در اختیار سیاستهای غربی قرار داده اند.

بدین جهت در هر شرایطی ملت ایران و حقوق اساسی وابسته به میهن مافوقانی، مطامع سیاستهای استعماری مغرب گردیده است و دولت های غربی بجای رعایت مصالح و منافع ملت ایران و بجای آنکه کوشش کنند بر نامه های سیاسی خود را با مصالح و خواسته های ملت تطبیق دهند، همواره با خشن ترین طرز و بی اعتنائی مطلق به نیازمندیهای ملت ایران، با مافوقان نموده اند. در هر هنگام که مصالح آنان ایجاب میکرد بدین آنکه توجه نمایند ممکن است با رعایت تمایلات و نیازمندیها و مصالح ملت ایران خواسته های خود را انجام دهند ما قربانی مطامع و مصالح آنی خویش نموند - در هر شرایطی که برای آنان ایجاب میکرد میهن ما را اشغال نمایند، برای تجزیه سرزمین ما بایکدیگر قرارداد می بستند، چه در جنگ جهانی اول در چه در جنگ جهانی دوم، در حالیکه ایران بیطرفی خود را اعلام داشته بود، سرزمین ما را اشغال نظامی نمودند و از قتل و غارت و چپاول و ستمی و در هر یک از اینها اساس اقتصاد ملی ایران خودداری نکردند - در سالهای اشغال ایران تا توانستند هر گردنکشی و تجزیه طلب و فساد و خود کاهیه ای را برای گردنکشی و تجزیه طلبی حمایت و تشویق نمودند. در هر فرصتی که توانستند فساد و انحطاط اخلاقی و سیاسی را رواج دادند و در همان شرایطی که سازمانهای حاکمه و عناصر ضعیف و ناتوانی که اداره امور را در دست های لرزان خود گرفته بودند حتی همه خواسته ها و مقاصد مشروع و نامشروع استعمارگران غرب را بر آورده می ساختند آنان دشمنان و متجاوزین به حقوق ملت ما را حمایت و تایید میکردند و از هر سیاستی که بخواهد بر روی ما میکشید جانبداری نمیکردند.

در آیه ها و در خشکی ها - در داخل ایران و در خارج ایران، همه جا و همه وقت با هر کوشش و تلاشی که برای ترقی و رفاه ملت ایران صورت میگرفت سرستیز و ناسازگاری داشتند.

همیشه با بهانه های غیر منطقی و بی انصافانه از اقدام اساسی که برای ایجاد ایرانی آباد و آزاد و نیرومند صورت میگرفت ممانعت بعمل می آوردند. لزومی ندارد که برای بیان این واقعیات نمونه ای خاص را ذکر کنیم - سراسر تاریخ یک قرن اخیر ایران عبارت است از این ظلم و ستم سیاستهای استعماری به ملت ایران و سکوت و تسامح و تسلیم سازمانهای مسئول حاکمه برابر این سیاستهای تجاوز و استعماری.

موردی که خود بستر روشنی از همه امیال و مقاصد استعماری مغرب در ایران زمین میباشد، همین مبارزه عمیق و بی گیر سیاست های غربی برای جلوگیری از ایجاد صنایع ذوب آهن و در نتیجه جلوگیری از صنعتی شدن ایران است.

«تلاش برای صنعتی شدن ایران» داستان غم انگیز قرن ما است - داستان غم انگیز کوشش های دلیرانه ملت است برای بقیه در صفحه ۴

شماره ۲۷

خاک و خون

نقل از: ناسیونالیسم (۱۴)
نشریه حزب پان ایرانیست
در اروپا

مباحث ناسیونالیسم کلین

پاسخ به: آدمیزاد
مدعیان دروغین مبارزه با استعمار

بجای هم آهنگی با نهضت ملت ایران برای خلع بد از شرکت سابق نفت شعار افزایش جیره یخ کارگران را مطرح میساختند!

اشتباه بعدی شما آن است که میگوید چون در تهران و خرابه های شهری حق کثی و بیعدالتی برقرار است پس دیگر هیچکس حق ندارد سخن از حق کثیها را که در پیرامون تیسفون تازیخی و سادرس تاس خلیج فارس میگذرد بمیان آورد. این اشتباه بزرگ شاه فزونی است بر مبارزانی امثال شما است و اینجاست بقیه در صفحه ۲

راه پیروزی

ما بخوبی میدانیم که انجام این مهم بسادگی میسر نیست، دشمنان بسیار ملت ما را احاطه کرده اند و در آبها و خشکی ها، در ساحل ها و دریاها، توطئه های دشمنان دیرینه ملت ایران هر روز بر یکی نو و در لباسی دیگر خود نمایی میکند. پس ملت ایران، برای وصول به آرمانهای بزرگ خود راهی پس طولانی و نبرد پیوسته در پیش دارد. ما از هم اکنون میبینیم که برای جلوگیری از ایجاد تحول و تکامل در زندگی ملت ایران چه عوامل نا بکار دخیل و خارجی دست در دست یکدیگر برای مآل آنکه ستیز ساز کرده اند.

در این نبرد بزرگ برای زندگی شایسته ملت ایران، چگونه پیروز توانیم شد...

ما روزها و ماهها و سالها بسیار را بخاطر داریم، آنان که دم از دوستی با ما میزدند، برای حفظ منافع خود چه بسا ما را تنها گذاردند - چه بسا از کمک های اولیه نیز بماندند و نمودند.

چه تضمین و اطمینانی هست که در حوادث دهشتناک آینده ما از حمایت آنها که بماند و وعده حمایت و همکاری می دهند برخوردار باشیم...

به حمایت از مبارزان کرد

نامه هایی از سوی آزادگان ایران پرست

روزها در سنگرهای نبرد پست میگذرانند نامه های پرشوری از سوی هم میهنان عزیز بدفتر خاک و خون می رسد.

خط مشی آگاهانه خاک و خون در راه شناساندن ملت ایران با همه موجودیت تاریخی و فرهنگی اش باعث آن شده است که هم آهنگی و هم فکری خاصی میان همه گروه های اجتماع میهن ما بوجود آید.

امروز هم خوانندگان خاک و خون در سراسر ایران نحوه اندیشیدن و تفکرشان بر محور ناسیونالیسم ایران و شناسایی کامل حقوق و منافع ملت ایران است و به همین دلیل خوانندگان خاک و خون، در خوزستان و در آذربایجان و در خراسان و همه جای ایران بیکسان رزم گرانی را که کردان برومند برای گسستن بقیه در صفحه ۳

از: کامبیز

صنایع پتروشیمی
سیم های درخشانی
از «ایران صنعتی»

قرار داد نهائی پتروشیمی امضاء شد. وقتی که پیش نویس این قرارداد امضاء رسیده بود، نظر خود را بیان داشتیم و امروز نیز که قرار داد تاسیسات عظیم پتروشیمی را بایک شرکت خارجی در آستانه اجرا می بینیم نمی توانیم شادی و خوشحالی خود را بازگو نکنیم.

بقیه در صفحه ۴

دنباله مقاله

حقیقت اندیشه

اقترا ناسیونالیسم
بعیت تر اکم مطالب
به شماره آینده
مو کول شد

از: تماشاگر

صحنه تماش

صحنه اول - قصه پست قصه مکر و همگانی است - یکی از گرفتاریهای روزمره مردم این مملکت مشکل پست است - نامه میفرستند نمیرسد و یا زمانی میرسد که نویسنده نامه گیرنده را ملاقات نموده و مطلب را برای درمیان گذارده است - تلگراف میفرستند، پس از گذشت روزهای آن زمان که فرستنده تلگراف میخواسته است قصد و نیت خود را بیان کند میرسد اکنون خواننده گرامی را به تماشای صحنه شکایت روزنامه گرامی پیام آذربایجان میبریم که به پست مبارکه قسم داده است که موضوع حقیقت است و در این مقام نیست که ناسی را ببرد - اکنون شکایت «پیام آذربایجان»

پست سراب تجدید نظر کند

من خداوند عالم سرخفیات را شاهد قرار میدهم که در نوشتن موضوع زیر حقیقتاً راحت بوده و هرگز حاضر نیستم آن کسی بربده شود.

ولی از نظر وظیفه اجتماعی و اینکه شاید بدین وسیله بتوانسته باشیم مأموری را که در انجام وظیفه خود کوتاهی میکند راهنمایی نمایم تا گزیریم به اداره پست و تلگراف سراب تذکر دهیم که موزع ایشان اکثر اوقات نامه ها و بخصوص روزنامه ها را به صاحبان نشان تسلیم نمیکند و در انجام وظیفه قصور میورزد.

بقیه در صفحه ۳

همچنان به پشتیبانی هم میهنان کرد ما که بر اهاسداری فرهنگ و تمدن ایران زمین شب و

قاره سیاه بر علیه یان اسامیت یاغی



قاره سیاه برای آزادی بیامی خیزد گوشه ای از تظاهرات عظیمی که برای از هم گسستن زنجیرهای استعمار و درهم شکستن نظام یاغی یان اسامیت برگزار شده است

نقل از: ناسیونالیسم

از: دکتر فضل اله صدر

سفیران واقعی ملت ایران

پان ایرانیست ها دور از ایران از حقوق ملت ایران دفاع میکنند

اعتراض پان ایرانیست های مقیم آلمان به مجله آلمانی «فنتیل»

شماره ۳۵ نشریه «ناسیونالیسم» مبارز و ایران پرست برای دفاع از حقوق ملت ایران، مادر شماره بعدی - مجله اروپا بدست ما رسیده است - چون شماره های پیشین پرست از خبرهای کوشش های این دلیران

از: دکتر عباس روحبخش

جنگل ها میسوزند!

چرا از ثروت ملی ما حمایت نمیشود؟

اطلاعیه سازمان جنگل بانی بهیچوجه از بار مسئولیت این سازمان نمیکاهد

چهار روز است که منطقه وسیعی از جنگلهای شمال آتش گرفته و منطقه ای بوسه ده هکتار در لهیب آتش میسوزد، بنا بر گزارش های رسیده آتش در منطقه وسیعی از جنگل زبانه می کشد و هنوز مأمورین جنگل بانی و کارگران کارخانه چوب پری «اسالم» موفق به خاموش کردن آتش نشده اند، فقط در بعضی از قسمتهای جنگل که حریق و سست زیادی داشته آتش خاموش شده است.

بقیه در صفحه ۴

حمله شدید پاکستان به کشورهای صنعتی

رئیس جمهوری پاکستان در آغاز ورود خود به امریکا نطق مهمی ایراد کرد و طی حمله شدیدی به کشورهای صنعتی گفت این کشور به کشورهای صنعتی حمله می کند و در حال رشد بویژه ایران و پاکستان میباشد و براسی که ما در این راه با پاکستان همانند و هم سرنوشتیم این نطق و این حمله نفاق دهنده همه عقده ها و نماینده علت عقب ماندگی و بقیه در صفحه ۲

تفسیر

سفر ارهارد به آمریکا

«وحدت» آرمان و نیاز ملت آلمان

اندیشه وحدت آلمان بوده است.

بطوریکه محافل سیاسی «بن» و «واشنگتن» اعلام نموده اند ارهارد در نظر دارد که هفته آینده مسافرتی به آمریکا بنماید و با پرزیدنت جانسون مذاکراتی بعمل آورد. با توجه سیاست دولت آلمان فدرال در ماههای اخیر این مطلب روشن است که مهمترین مسائلی که درین مسافرت مورد بحث قرار خواهد گرفت عبارتند از: وحدت آلمان و نیروهای چند جانبه ای، ما در این جا این دو مسئله را مورد بررسی قرار میدهم.

۱- وحدت آلمان - چسه حکومت آدنائو و چه حکومت ارهارد به مهمترین مسئله ای که در دوران زمامداری خود داند بشده -

کنفرانس سیاسی حزب

پان ایرانیست

ساعت ۶ عصر امروز برگزار میشود از آلمان خواهان ایران پرست و هواداران «خاک و خون» دعوت بحضور در این کنفرانس میگردد.

بقیه تقسیم میمانی

اختلافات گذشته آلمان با سایر دولتها، بخصوص یوگسلاوی و همچنین اختلاف اخیر دولت آلمان با کشورهای عربی تمام معطوف به این امر و ناشی از تعقیب همین هدف یعنی «وحدت آلمان» می باشد. آلمان با ختری تاکنون با توسل به تئوری هالشتاین مانع از این شده است که کشورهای غیر کمونیست آلمان شرقی را برسمیت بشناسند، چه این دولت مستعد است در صورتیکه آلمان شرقی از طرف چند دولت غیر کمونیست شناخته شود، بهنگام بحث در باره وحدت آلمان دیگر مسئله الحاق آلمان شرقی با آلمان باختری مطرح نخواهد شد، بلکه باید دو آلمان با حقوق مساوی دور یک میز گرد بنشینند و درباره «وحدت» تصمیم بگیرند.

بهر حال رویه دولت این است که موضوع وحدت را در این برنامها قرار داده و آلمان بهر قیمتی که شده است دفاع نماید.

مسافرت اخیر کوودوموریل شوروی و نزدیکی سیاست فرانسه و شوروی موجب نگرانی مقامات آلمانی شد و بهمین مناسبت شورو وزیر خارجه آلمان بلافاصله پس از بازگشت کوودوموریل از شوروی سفری بیپایس نمودولی از مذاکراتیکه با محافل و مقامات فرانسوی بمصل آورد نتوانست حقیقت امر را دریابد که در مذاکرات کوودوموریل و مقامات شوروی مسئله وحدت آلمان بچه نحو مورد مذاکره و بررسی قرار گرفته و در باره آن چگونه وجه نوع توافق بعمل آمده است؟

از چندی پیش روابط آلمان و فرانسه سردی گرفته بود و مذاکرات محصرمانه فرانسه و شوروی این سردی را بعد اعلامی خود رساند، لذا از هارد چهاره ای نمی بیند چنانکه دست امریکا را پیش از پیش بفشارد. باید منتظر آن بود که از این مسافرت تاجه اندازه بنفع ملت آلمان بهره برداری خواهد شد.

۲- نیروی چند جانبه اتمی

مساله نیروی اتمی چند جانبه مدتی است که در محافل اروپائی مورد بحث قرار گرفته و درباره آن بحثها و اظهار نظرهای فراوانی شده است. این مسئله ابتدا بصورت مطرح نیروی چند جانبه اتمی M.T.F عنوان شد که مفهوم آن این بود که کشورهای عضو ناتو باید بتوانند از نیروی اتمی استفاده کنند، منتهی در حوق و تئو در آن قائل شده بودند که یکی برای آمریکا بتهائی و دیگری برای کلیه اعضای ناتو نیروی اتمی بر روی ناوهای دریائی سازمان اتلانتیک شمالی قرار میگرفت و ملوانها بتمه اعمی از تمام کشورها عضو انتخاب میشدند. چون این نقشه از طرف دولت فرانسه رد شد لذا ویلسون پس از مسافرت با آمریکا و مذاکره با جاسون اوراقان نمود که در این زمینه طرحی از طرف یک دولت اروپائی پیشنهاد شود و در صورتیکه چنین شود دولت فرانسه مستعد مخالفت شدیدی با برنامه منور نخواهد کرد.

بدین سبب ویلسون طرح «نیروی اتمی اتلانتیک» F.N.A را پیشنهاد کرد که بسیار مهم و ناقص بنظر می آمد و چون از همان ابتدای امر با مخالفت فرانسه روبرو شد این نظریه بطور کلی کنار گذاشته شد. بعدها دولت آمریکا پیشنهاد مربوط به کمیته پنج نفری را مطرح ساخت و دولت فرانسه نیز مخالفت خود را با اینگونه پیشنهادها بیای اعلام میداشت. مطلب مهمی که اخیرا پیش آمد و این چند روز مطرح شده است تشکیل کمیسیون مربوط به ناتو است که در تئو و زیران دفاع کشورهای عضو در آن شرکت کردند.

این کمیسیون در حال حاضر

نامه برادر گرد

بندهای گران استعمار در پیش دارند می ستایند و با همه وجودشان پشتیبانی می کنند.

خاک و خون جز این وحدت نظروهم آهنکی در راه شناخت آرمانهای تاریخی و ملی هدفی را دنبال نمی کنند و بقیه روزگاری خواهد رسید که جامعه همیشه و یکپارچه ما با تفکر واحد در این جهان در برابر دشمنان خود مقابله خواهد نمود.

آقای محمد هیدای از سر دشت آذربایجان غربی می نویسد:

راستی بار دیگر در طول نیم قرن گذشته تاریخ ایران روزنامه خاک و خون چون خورشیدی در مطبوعات کشور درخشیدن گرفته است.

به شهادت تاریخ کرد ایرانی اصیل و از نواد آریایی باشد که در اثر توطئه دشمنان ملت ایران و امپریالیستها قسمت هائی از کرستان به نیرنگ ارمین ما جداسده و تحت تسلط بی فرهنگان قرار گرفته است.

اکنون که دریافتیم روزی فرارسیده است که این قسمت از خاک خود را از زیر چنگال نازیان بیرون آوریم مانند در میهم که کرد ایرانی است و تا آخرین نفس مبارزه بزرگ و عظیم آنها را پشتیبانی می کنیم.

آقایان هیواس و آواتم از سنج می نویسند:

مبارزه بر ضد تجاوز بیگانه و پشتیبانی از هم میهنان کرد ایرانی نژاد خارج از مرز و اعاده حقوق از دست رفته ملت ایران همه افراد و گروه های ملت ایران را بیاری می طلبد.

تقاضای ما این است که آشکارا و بدون هیچ راههای بگردان کرد ایران اجازه دهند که حکومت های فاشیستی و متجاوز عربی چون مصر و سایرین را بر سر جای خود بنشانیم تا باین بخود اجازه ندهند تا بکشتار کرد ادامه داده و خلیج فارس را خلیج عربی بنامند.

آقای روزی از هری می نویسد:

چون ستاره درخشانی در آسمان مطبوعات ایران پرتو افشانی میکند. درود بر آن که چون پتکی فرق یاهو گویان و نشخوار کنندگانی را می کوبد که برخلاف حقیقت بار خلیج فارس را «خلیج عربی» و خوزستان را «عربستان» می نامند.

درود بر روزنامه ای که اخبار قتل عام هم میهنان کرد را در عراق و سوریه که جز بخاطر آزادی از چنگال حکومت های غاصب گنای ندارند منتشر می نماید. آنچه مسلم است چیزی که باعث ناراحتی و خصومت دشمنان ایران است همانا ثروت خداداد و تمدن درخشان باستانی است که چون خاری در چشم آنها می خلد و بناچار به پخش باطیل و توهانی دشمنان ملت مادلخوش دارند تا بدان وسیله عقده های خود را رانگند باشند.

آقای کورش هباش پوزاقزین در مقاله مفصلی می نویسد:

بعنوان یک ایرانی از سوی همه ایران پرستان درود گرم و آتشین و پاک بسیار بر شما می فرستم و بخاطر ایفای نقشی که بر عهده دارید صمیمانه تشکر میکنم.

آری باید بر شما سیاست داشت و بر شما آفرین گفت، چون کاری را انجام میدید که برگرد وزارت امور خارجه سنگینی می کند، همه نوشتند عشار شمال عراق ولی شما آزادگان ایران پرست پرده را از هم دریدید و فریاد بر داشتید که این «عشار شمال عراق» همان کردان کرد بلند بالای ایرانی نژادند که پاسداران فرهنگ ایران و شاهنشاهی ایران زمین اند که با دست خالی در برابر تانک و زره پوش دشمن می ایستند.

ما و کردان در یک نیاخاک زندگی میکنیم، در هم و خوشی هم اینانیم، نابودی آنان نابودی ماست و وفائی ما نیستی آنانست.

آقای م. ه. دانشجو می نویسد:

راستی که بحق آزادگان ایران پرستید، زیرا با کمال شجاعت دامن همت بکمر زده و از عظمت و بزرگی ایران دفاع می کنید. چیزی که بیش از همه شمارا در نظر مردم ایران پرست محبوب کرده این است که به دفاع از شاخه نژادی خود مردم آزاده کردستان عراق برخاسته اید که میخواهند خود را از چنگال گرگ استعمار برهانند و آداب و رسوم و سنن دیرین خود را حفظ کنند. ناصر نابکار و عمال خائن او بوسف زاعین ... تنها بقتل عام کردن تیره های نژادی ما کف نمی کنند و نقشه های دیگری در مغزهای تهی خود می پروراند.

ولی مردم ایران مشت آهنین خود را بدشان یاهو گویان خواهند کوبید و ما کردان ایرانی در این جهاد ملی پیشاهنگ خواهیم بود.

در کمترین زمان، براق ترین وا کس، نازترین قیمت

موپروا گسی

واکس مایع بدون وا کس و برش زدن

نماینده انحصاری خوزستان - اهواز - پاساژ عیاری طبقه دوم عمده فروشی جنوب

در پاریس مفتوح است و بالاخره مسئله شرکت اعضای اروپائی ناتو را در مورد اخذ تصمیم برای استفاده از نیروی اتمی ناتو در آن مطرح کرده و سه کمیته بخصوص تشکیل داده اند که دولت آلمان در کمیته سوم که عبارت است از نقشه های اتمی شرکت مستقیم دارد. این اقدام بزرگترین موفقیتی است که دولت از هارد بدان نائل شده است چه بهر حال مساله شرکت اعضای اروپائی ناتو در تصمیمات مربوط با استفاده از نیروهای اتمی سازمان ناتو از مرحله حرف خاج شده و بصورت عمل در آمده است.

دولت آلمان مدعی است که مستقیما نمی خواهد به نیروی اتمی دست یابد منتهی قدرت همسایه های آلمان ایجاب می کند که این کشور نیز لااقل

سفیران

بر خوانندگان گرامی بازگو میکنیم، اما آنچه اکنون مورد بحث است مقاله و خبری است که «ناسیونالیسم» تحت عنوان (سفیران واقعی ملت ایران) درج نموده است - این مقاله دلالت دارد که مجله دانشگاهی شهر کاسر و هه آلمان در یکی از بررسی های خود خلیج فارس را خلیج عربی نامیده است. بیان ایرانیست های مبارز شهر کاسر و هه چون دیگر مواقع بدافع از حقوق تاریخی ملت خود بر خواسته و نامه ای مؤثر و مستدل بمجله منور نوشته و از آنان خواسته اند که با متجاوزین بحقوق ملت ایران و عناصر بی فرهنگ و دور از حقیقتی که چنین مغرضانه دم از خلیج عربی میزنند هم آهنگ نگردند.

متاسفانه در این مورد نیز چون موارد دیگر سفیران و ماموران دولت ایران خاموش و غافلند و هیچگونه نهماقبت و عکس العمل اساسی نسبت بحقوق ملت ایران ابراز نمیکنند.

در این مورد نیز یکبار دیگر برومند جوانانی که در زیر درفش پان ایرانیسم بدافع از وجودیت ملت خود برخاسته اند، در مقام اعتراض و حمایت از حقوق وابسته بملت ایران برآمدند.

آیا بر استی سفرای یک ملت کیانند؟ آنان که چنین عنوانی دارند و احساس وظیفه و مسئولیت نمیکنند و یا آنان که چنین عنوانی ندارند و از دل و جان بدافع از حقوق ملت خود قیام میکنند؟

اکنون عین مطلبی را که در این باره نشریه «ناسیونالیسم» درج نموده است در زیر می آوریم، چندی است که دشمنان تاریخی ملت ایران، عبدالناصر و یاران او، دست اندر کار توطئه برای تغییر نام خلیج فارس و جدا کردن جزایر این دریای ایرانی از یکدیگر ایران زمین هستند و امپریالیسم خون آشام انگلستان نیز در این ماجرا محرم و باور آنها است.

تلاشهای رسوای عبدالناصر و یاران او را حزب برومند ما همیشه با شدت هر چه تمام تر منکوب کرده است و وظیفه ای را که دستگاه فاسد کاخ و وزارت خارجه خواب آلود آن انجام نمیدهند وجهه همت بلند خویش قسار داده است.

ما هرگز وظایفی را که در قبال ملت ایران و تمامیت ارضی ایران زمین احساس میکنیم بخاطر مخالفت با سازمانهای حاکمه ایران از نظر دور نداشته ایم و همه جادشمنان ایران را تعقیب کرده و در هم کوبیده ایم.

اینک نامه ای را که سر بازان دلاور حزب مادر شهر کاسر و هه (آلمان غربی) برای مجله دانشگاهی آن شهر بنام «فتیل» نگاشته اند از نظر شما میگذرانیم. توضیح آنکه در این مجله سخن از خلیج فارس یا (عربی) بمیان آمده بوده است.

آقایان محترم!

ما کوششهای فرهنگی شمارا برای انتشار این مجله و زین ستایش میکنیم و از مشکلاتی که در راه انجام چنین اقداماتی موجود است تا اندازه ای آگاهیم.

با ایمان باین اعتقاد خوشی که شما این کوششها را در راه بسط دانش و فرهنگ و کمک و یاری به جوانان حقیقت انجام می - دهید خود را موظف میدانیم نکته در ناکی را که در آخرین شماره مجله «فتیل» بتاریخ نوامیر ۱۹۶۵ آمده است بشما گوشزد کنیم.

ما در آنجا میخوانیم که سخن از خلیج عربی بمیان آمده است و اینجاست که یک دنیا تاسف و تانی وجود ما و همه دوستداران حقیقت و پاسداران میراث فرهنگ بشری را فرا میگردد.

صد گونه تماشا

زیرا کلیه مشترکین روزنامه ها از وصول روزنامه اظهار بی اطلاعی میکنند و حتی بعضی ها چنان تصور میکنند که شاید «فلان روزنامه توقیف است که به آنها نمیرسد» بنابراین انتظار دارند که اداره پست و تلگراف سراب در این موضوع دستورات کافی داده و از مشترکین چراید رفع شکایت نماید.

اما نکته ای که ما باین صحنه اضافه میکنیم و این خود سبب میگردد که از ناراحتی و رنج همکار گرامی بکاهد این است که ما نیز از پست مبارکه دل پر خونی داریم - ما از این همه تلفنها و مراجعات مکرر مشترکین که با روزنامه بدست آنها نمیرسد و یا جناب پستی بنا بیل و سلیقه خود چند شماره روزنامه را نگه میدارد و با هم برای مشترک میبرد به تنگ آمده ایم و این مشکل پست مشکلی است که گریبان گیر همه می باشد - امیدواریم متصدیان امر بهمین نکته توجه و قناعت کنند و هر چه زودتر بوضع نابسامان پست سر و صورتی بدهند.

درستون چهل سال قبل در همین روز، روزنامه اطلاعات اغلب مطالبی بسیار جالب از حوادث و وقایع زندگی چهل سال پیش دیده میشود. تماشاگر معمولا به تماشای این ستون ویژه اطلاعات میرود در شماره دیروز قسمتی از مقاله ای را که شادروان حیدر رضا زاده بر مرگ درویش خان استاد شعر موسیقی و مرد وارسته زمان نگاشته است درج گردیده است. درویش خان از آن چهره های تابناک میهن مایم باشد که هنر ایرانی را نه تنها در قالب و صورت خود درک نموده بود بلکه از ژرفنا و اعماق هنر ایرانی آگاهی کامل داشت و عواطف و منش اوس را جلوه ای تابناک از فلسفه و هنر میهن ما است.

سازدرویش خان - آهنگ های ضربی درویش خان - موسیقی غنی و پرمایه درویش خان پایه ها و میانی محکم برای دوران تحول موسیقی ایران بود. اکنون آنچه که شادروان رضا زاده بر مرگ درویش خان نوشته است:

تار مرد

تحت عنوان بالا مقاله کوتاهی بقلم آقای حیدر رضا زاده برادر فقید آقای دکتر شفق بطبع رسیده باین شرح:

یکانه استادشیر در تار حضرت بزرگوار آقای غلامحسین خان درویش بواسطه تصادم اتومبیل با درشکه تارو - پود حیاتش زخم گسیخت و روی محبوب خود را از این زندگانی شرم آور مستور نمود.

سوز و گداز دل من که حصول در نتیجه مضاربهای آن استاد بی نظیر باضربان قلب بیچاره من توام و مادام العمر از یاد نبرده آنچه برضایت و راحتی روح او از دستم برآید خواهم کوشید.

صنایع ذوب آهن در اراضی وسیع اطراف اصفهان پایه گذاری میشود - بنظر ما این انتخاب گذشته از جهات فنی و اقتصادی و سیاسی از یک نظر نیز حائز توجه است و آن این نکته است که نخستین سنگ نظم درخشان آینده ملت ما که باید همه نیروها و تیره های وابسته به شاهنشاهی ایران را در بر گیرد در آن دیاری انتخاب شده است که یادگارهای زنده و جاویدان دوران درخشان شاهنشاهی ایران را بمعنای وسیع و عمیق آن در بر دارد.

این جلوه گاه نظم و فرهنگ و سیاست پیروز ملت ایران اصفهان است.

برای تأمین آب مورد احتیاج کارخانجات ذوب آهن در اصفهان سدی احداث میگردد - این نیز کام بزرگ دیگری است در راه آبادانی سرزمین ما - چه سلیقه بجا و مناسبی بود که بر این سد نام «شاه عباس کبیر» گذارده شده است. نام شاهنشاهی که برای وحدت، بزرگی و آبادانی ایران زمین کوشی درخشان داشت.

بی مناسبت نیست که بتماشای سد برویم و مشخصات آن را بنظره کنیم:

ظرفیت دریاچه پشت سد، یک میلیارد و دویست میلیون متر مکعب - نوع دیوار سد، بتونی - طول سد ۴۰۰ متر و عرض آن یکصد متر - مقدار بتون ریزی در حدود نهصد هزار متر مکعب.

امروز روز مادر است - روز عاشق راستین در این روزگار - اگر بنا باشد آنکس را که بر استی عاشق است، عاشق وجودی دیگر، با عشق میوز نه به بخاطر خود، معشوق خود را می ستاید، می بوید، از جان عزیز ترش میدارد، نه بدان خاطر که از او پاسخی و حتر قدر شناسی انتظار داشته باشد - چنین عاشقی راستین و پاکباز در این روزگار «مادر» است اوست که به جگر گوشه خود با همه وجود خویش، از نهاد همه ذرات هستی زندگی اش عشق میوزد - اوست که فرزند خود را از جان عزیز تر و از دودید گانش گرامی تر میدارد - برای «مادر» و برای عشق بی همتای مادر و برای عظمت و شکوه مندی و وظایف مادر در پیشگاه وجود سیال و نمردنی نسل هر چه بنویسند اندک است - هر حماسه ای که سر دهند گویا نخواهد بود.

«مادر»، این آغوش نگهداری زنی نسل «مادر» این سازنده زندگی فردای ملتها و این رابط عالیقدر موجودیت سلسله زنجیر نسل، در فرهنگ و ادب ملت ما مکنی بس شامخ و جایگاهی پر شکوه دارد.

بی شک کمتر ملتی است که در شعر و سرود و فلسفه و آئین خود، «مادر» را چون ملت ما از اعماق وجود ستایش کند و او را عزیز و گرامی شمارد.

اکنون از میان آنهمه آثار جاودانی که در ادب ملت ایران نثار پاکبازها و عشق راستین و نقش عظیم فرهنگ آفرین مادر گردیده است، یکی از آنها را بر میگزینم - شعری ساده و روان که چون سرود بهشتی است - هر یک از مادر شنین کودکی این شعر دل انگیز را خوانده ایم شعری است روان اما پراز احساسهای قلب ما، گوئی «ایرج» این شاعر شیرین سخن و توانای ملت ما، از زبان و قلب همه ما سخن گفته است:

گوبند مرا چو زاد مادر
شبه بر گاهواره من
لبخند نهاد بر لب من
یک حرف و دو حرف بر زبانم
دستم بگرفت و پایا برد
پس هستی من زهستی اوست

پستان بدهان گرفتن آموخت
بیدار نفست و خفتن آموخت
بر فتنه گل شکفتن آموخت
الفاظ نهاد و گفتن آموخت
تا شیوهی راه رفتن آموخت
تا هستم و هست دارم دوست

هیچیک از متون و اساطیر نهن جز این نامی نمی یابید. اگر امروز سیاست های خاصی بر ضد ما قیام کرده اند و با خرید و جدهای کسان معلوم الحالی در راه تغییر نام این دریای ایرانی کوشش میکنند امری تعجب آور نیست، تعجب ما فقط در آن است که چرا وجدانهای پاک شما که هرگز رابطه ای با اینگونه سیاستها نمیتواند داشته باشد نا آگاهانه به راه آنها در راه محو کردن یکی از آثار فرهنگی انسانی مورد استفاده قرار گیرید.

شما خود در این بهانه از جهات و جاهای دیگر شاهد تجاوز فرهنگ انسانی هستید. سرزمین شما و ملت فرهنگ آفرین آن تکه - پاره شده است و کوششهای وسیع از طرف دشمنان فرهنگ انسانی صورت میگیرد تا این تجزیه سیاه برای همیشه باقی بماند و روزگاری برسد که دیگر آثاری از فرهنگ

